

مبانی و قلمرو قرار نظارت قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی در حقوق ایران و افغانستان

عبدالله حامدی*

چکیده

آیین دادرسی کیفری در هر کشور باعث ثبات و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد آن جامعه است. در حال حاضر طرح انتقادات زیادی نسبت به توسل به بازداشت گرای، پیشنهاد طرح جایگزین‌هایی به مرحله پیش از محاکمه نیز تسری یافته و باعث شده که نظام‌های کیفری به تبعیت از اسناد بین‌المللی، توسل به قرارهای بازداشت موقت را در مرحله قبل از محاکمه و ثبوت حکم مجرمیت به حداقل رسانده و از نهادهای نظارت محور به‌عنوان قرارهای تامین کیفری استفاده کنند. از آنجایی که اخذ تدابیر احتیاطی در اکثر رسیدگی‌های جزایی، امری ضروری به حساب می‌آید، یکی از مواردی که در قوانین کیفری ایران و افغانستان پیش بینی شده، قرار نظارت قضایی است. این قرار، در حقوق ایران و افغانستان در کنار قرارهای تامین کیفری قابلیت صدور را دارد، جز در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت که به‌صورت مستقل صادر می‌گردد. صرف نظر از این که قرار نظارت قضایی در قوانین دو کشور جدید است، می‌شود از اهداف مهم آن اصلاح و بازپروری متهم، حفظ حقوق بزه‌دیده و جامعه را به حساب آورد. در پژوهش حاضر ضمن بررسی مبانی، قلمرو و جایگاه نظارت قضایی در قوانین کیفری ایران و افغانستان، اوصاف، آثار، شرایط صدور، تعهدات سلبی و ایجابی قرار، در نظام دادرسی ایران و افغانستان و علاوه بر آن، به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های قرار نظارت قضایی و تامین کیفری به‌صورت تطبیقی در حقوق ایران و افغانستان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مبانی، قلمرو، قرار نظارت قضایی، مرحله تحقیقات مقدماتی، حقوق،

ایران، افغانستان.

مقدمه

تغییر، اصلاح و تحول، به‌خصوص در قوانین موضوعه و ارایه دیدگاه‌های نوین در علوم جنایی و قضایی امری اجتناب‌ناپذیر بوده و نشانه‌ی، پویایی حقوق هر کشور است. با توجه به این بحث و تناسب بین پیشرفت‌ها و نیازهای جامعه با قوانین، به‌خصوص قانون آیین‌دادرسی کیفری و اجرائات جزایی یک کشور، که تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های افراد آن کشور است، باید درست تنظیم شده و به مرحله اجرا گذاشته شود و اگر چنانچه قانون آیین‌دادرسی آن کشور به‌خوبی تنظیم نشده باشد، در آن جامعه شاهد نقض حقوق افراد خواهیم بود و بر عکس اگر قانون آیین‌دادرسی کیفری یک کشور خوب تنظیم شده باشد، حداقل در مرحله قانون‌گذاری حقوق افراد ملت پایمال نمی‌شود. آیین‌دادرسی یک کشور زمانی می‌تواند مدعی حفظ حقوق و آزادی‌های افراد جامعه باشد که این سه هدف؛ (حفظ نظم و منافع جامعه، حفظ حقوق متهم و بزه‌دیده) را در کنار هم و به‌صورت هماهنگ مورد توجه قرار داده و تعادل را در همه‌ی آن‌ها مراعات کنند.

به‌عبارت دیگر، قانون آیین‌دادرسی کیفری شامل قواعد و مقرراتی است که قانون‌گذار برای محاکمه کیفری، نحوه احضار، ابلاغ، جلب متهم و شیوه رسیدگی به شکایات کیفری بیان نموده‌است. (اباذر فومشی، ۱۳۹۱: ۵۵۸) از آن‌جایی که یکی از اهداف احیای دادرسی تأمین حقوق جامعه، بزه‌دیده و متهم است، انجام تحقیقات مقدماتی یکی از وظایف محوله به دادرسی است و با به‌کارگیری قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی می‌تواند کمک شایانی، در رسیدن به این اهداف باشد. ثانیاً وقتی در جامعه جرمی واقع می‌شود، همزمان با وقوع جرم در جامعه و ارتکاب جرم از سوی شخص و وجود دلایل حداقلی از قراین و امارات جرم از ناحیه این شخص، ایشان با عنوان «متهم» وارد فرایند دادرسی کیفری می‌گردد. تا زمانی که مسؤولیت کیفری و مجرمیت وی طی یک فرایند دادرسی عادلانه و منطبق با همه‌ی موازین حقوقی اثبات نشود،

بی‌گناه شناخته می‌شود. براساس این فرض و اصل برائت مقتضی این است که در عین حفظ دسترسی و ضرورت‌های تحقیقی از متهم، کم‌ترین هزینه بر وی تحمیل شود. اخذ تامین از متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی بسیار مهم و به‌جا است؛ زیرا برای قاضی تحقیق این امکان مهیا است تا در هر زمانی که بخواهد به پرونده کیفری رسیدگی کنند و از متهم بازجویی نماید. در بعضی موارد ممکن قرارهایی احتیاطی و تامین کیفری منتهی به سلب آزادی متهم شود و یا آزادی‌های او محدود گردد که این خلاف اصل برائت بوده و بازداشت افراد حتی در مقطع کوتاهی هم می‌تواند اثرات مخربی را هم بر متهم، هم خانواده و هم بستگان او ایجاد کند. بنابراین، اصل برائت اقتضا می‌کند که تا زمان مشخص شدن پرونده کیفری نباید آزادی‌های متهم سلب شود یا زندان شود و یا محدودیت در بخش اموال و دارایی‌های او ایجاد گردد، ولی چون جرم پدیده‌ای است که نظم اجتماعی را مختل کرده است و در واقع خساراتی از طریق ارتکاب جرم به جامعه و افراد وارد شده است، به نوعی باید جبران شود.

از این‌رو، برای دسترسی به متهم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن و تبانی با معاونان و شریکان جرم و...، عقل حکم می‌کند و ضرورت‌های اجتماعی ایجاب می‌کند که بررسی، تحقیق و کسب اطلاعات در رابطه با متهم مجاز باشد. (خالقی، ۱۳۹۱: ۱۹۲) تا در موقع لزوم و ضرورت، بتوان اقدامات تحقیقاتی را در اثبات اتهام یا قرارهای نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی را در قانون پیش بینی کرده‌اند تا هم متهم در دسترس باشد و هم نظم جامعه و هم حقوق بزه‌دیده حفظ شود.

1. مفهوم قرار نظارت قضایی

با توجه به جایگاه و اهمیت قرارها در قوانین جزایی افغانستان و ایران و سایر کشورها و به‌کارگیری این قرارها توسط مقامات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، مفهوم قرار، ما را در تبیین معنایی قرارهای نظارت و کنترل قضایی یاری می‌رساند. از این‌رو، با توجه به تعاریف که از قرار در بخش مفاهیم ارائه شد، حقوق‌دانان و صاحب

نظران قرار را یک نوع تصمیم مرجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه شخص متهم در دادگاه دانسته‌اند. با توجه به شرح معنا و مفهوم قرار، نتیجه گرفته می‌شود که قرار نظارت قضایی، قراری است که از سوی مقامات ذیصلاح (سارانوال، بازپرس و دادرس دادگاه) مشتمل بر دستوراتی مبنی بر انجام یا ترک آن اعمال توسط متهم به منظور اصلاح ایشان یا تضمین حقوق بزه‌دیده در کنار قرارهای تامین کیفری به صورت تکمیلی یا طبق شرایطی به صورت مستقل صادر می‌گردد. (بداشتی سیاهکلرودی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۳) در حقیقت این قرار یک نوع قرار محدود کننده آزادی متهم بوده و البته نه به اندازه‌ی سایر قرارهای تامین کیفری، که خارج از محیط زندان تعهداتی را برای متهم به وجود می‌آورد. (لارگیر، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

در حقوق کیفری فرانسه که اولین بار قرار نظارت قضایی پیش بینی شد، این قرار از جایگاه ویژه‌ی از لحاظ کیفری برخوردار بوده و بخش وسیعی از جایگزین‌های حبس را به خود اختصاص داده است. اگر دستورات قرار نظارت قضایی از ناحیه متهم مراعات نشود، بازداشت و حبس را در پی دارد. قرار نظارت قضایی در اصل یک نهاد محدود کننده است که در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط مقام مسؤول قضایی صادر می‌گردد و آثار سوء بقیه قرارهای تامین کیفری را به همراه ندارد. بلکه فقط در صورت عدم رعایت دستورات قرار در حقوق فرانسه مجازاتش بازداشت است، ولی در حقوق افغانستان و ایران به تصمیم قاضی واگذار شده است.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که نهاد نظارت قضایی یک نهاد کنترل اجتماعی و قضایی بر فرد تحت بررسی بوده که این کنترل در جهت سازش بین آزادی فرد بین بازداشت و ضرورت‌های بازدارندگی با تحمیل کنترل به شخص متهم تامین گردیده اند. در نظام کیفری افغانستان قرار نظارت قضایی تحت عنوان تدابیر احتیاطی پیش بینی شده است. با گذشت زمان، این قرار با تغییرات و اصلاحاتی مواجه گشت و در اثر این تحولات قرار نظارت قضایی به تدریج تکامل قابل ملاحظه‌ی یافت. رسالت قرار نظارت قضایی کاستن از بازداشت موقت و معایب آن بوده و به این رسالتش

تاکید داشته است. در این که تا چه اندازه به این رسالت در نظام‌های حقوقی کشورها عمل شده یا خیر؟ شایسته است که دوستان تحقیقی را در این خصوص انجام دهد.

2. تفاوت قرار نظارت قضایی با قرارهای تامین کیفری

الف. وجوه تمایز قرار نظارت قضایی با تامین کیفری

۱. صدور قرار تامین کیفری برای متهم الزامی بوده، ولی صدور قرار نظارت قضایی اختیاری است؛

۲. قرار تامین کیفری برای مدت معین صادر نمی‌شود و مشخص نیست تا چه زمانی تامین گرفته می‌شود، ولی صدور قرار نظارت قضایی دارای مدت معین است؛

۳. قرارهای تامین کیفری با همدیگر قابلیت تجمیع را ندارد، ولی دستورات مندرج در قرار نظارت قضایی قابلیت تجمیع را دارا است؛

۴. صدور قرار تامین کیفری بعد از تفهیم اتهام و تحقیقات لازم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، صدور قرار تامین کیفری فرع بر اصل تفهیم و اتهام است، اما در صدور قرار نظارت قضایی نیاز به تحقیق و تفهیم اتهام دلیل نیست؛

۵. در قرار تامین کیفری اصل بر غیر اعتراض بودنش بوده مگر در بازداشت موقت که حق اعتراض دارد، ولی در صدور قرار نظارت قضایی اصل بر قابل اعتراض بودن است.

۶. مهم‌ترین تفاوت قرار تامین کیفری و نظارت قضایی در این است که قرار تامین کیفری برای پیش‌گیری از جرم و حفظ حقوق و آزادی‌های مردم پیش‌بینی شده، ولی قرار نظارت برای حفظ حقوق بزه‌دیده و دسترسی به متهم صادر می‌شود.

ب: وجوه تشابه و اشتراک قرار نظارت قضایی با قرارهای تامین کیفری

۱. قرارهای تامین کیفری و نظارت قضایی هر دو باید مستدل و موجه باشد، مستدل به این معنا که این قرارها باید براساس ماده قانونی صادر شده باشد. اما موجه باشد به این معنا که مقام صادر کننده بتواند صدور قرار نظارت و تامین کیفری را توجیه نماید. در صدور قرار تامین کیفری باید مقام صادر کننده براساس صدر ماده ۲۱۷ قانون آیین

دادرسی کیفری توجیه کند، اما در قرار نظارت قضایی قانون‌گذار علتش را مشخص نکرده است، به همین جهت است که برخی معتقد به توجیه نظارت قضایی بوده و برخی هم معتقد به توجیه نظارت قضایی براساس صدر ماده ۲۱۷ نیستند.

۲. در هردو قرار باید تناسب مراعات شود، یعنی قرار صادر شده با جرم ارتكابی متناسب باشد، اخذ تامین نامناسب برای تامین کیفری موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار می‌شود و ضمانت اجرای این را هم تبصره ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته‌اند، ولی در اخذ نامناسب قرار نظارت قضایی هیچ ضمانت اجرای وجود ندارد. به همین خاطر بعضی معتقدند بر این‌که با تفسیر موسع و توسل به قیاس از ماده ۲۵۰ استفاده کرد، اما بعضی معتقدند: این استدلال صحیح نیست؛ زیرا در حقوق کیفری شکلی تفسیر موسع در همه جا پذیرفته نیست. چون محکومیت انتظامی ماهیتاً نوعی مجازات بوده، باید از قواعد حاکم بر قوانین کیفری استفاده شود.

۳. موجبات لغو هردو قرار یکسان بوده و ماده ۲۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایران این موجبات لغو را پیش بینی کرده است. (رنجبر، ۱۳۹۶: ۲۱۷)

۴. هردو قرار احصایی هستند. بنابراین، صدور قرار تامین کیفری منحصر به مواد ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران بوده، ولی قرار نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی منحصر به مواد ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان و ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران است.

۵. هردو قرار در تمامی مراحل رسیدگی (مقدماتی و نهایی) قابل تفکیک، تشدید و تخفیف است. ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری با صراحت بیان می‌کند که مقام مسؤول قضایی می‌تواند با حفظ قوانین و مقررات، قرارهای صادره را تشدید یا تخفیف دهند. (جوانمرد، ۱۳۹۴: ۳۰)

3. مبانی

الف. مبانی قرار نظارت قضایی

قرارهای نظارت قضایی دارای دو مبنا یا فلسفه وجودی‌اند که آن‌ها را به اهدافش نزدیک می‌کند. ۱. مبانی بنیادی یا اساسی ۲. مبانی جرم‌شناختی. مبانی بنیادی تحت دو عنوان اصل آزادی و امنیت شخصی و اصل برائت تقسیم می‌شود. مبانی جرم‌شناختی هم تحت دو عنوان مبانی جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی تقسیم می‌شود.

۱. مبانی بنیادی و اساسی

دو اصل آزادی و برائت در اواخر قرن بیستم در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورهای افغانستان و ایران، در جهت منع از بازداشت متهم و عدم سلب آزادی وی از طریق اقدامات جایگزین تاکید شده است در صورتی که قرارهای تامین کیفری سنتی با اصول نوین دادرسی کیفری عادلانه تطابق پیدا نکنند، علاوه بر این که می‌تواند منتهی به نقض اصول دادرسی عادلانه شود، می‌تواند حقوق اساسی متهم را که اصل آزادی و اصل برائت باشد، هم تحت تاثیر قرار دهد.

همان‌گونه که می‌دانیم مهم‌ترین اثر اصل برائت این است که تا زمانی که افراد اتهام‌شان در دادگاه صالح به اثبات نرسیده باشد، بی‌گناه فرض می‌شود. مهم‌ترین اثر بی‌گناهی هراسانی هم این است که از تمام حقوق و آزادی‌های خودش بهره‌مند باشد و به او احترام گذاشته شود. (خلخالزر، ۱۳۹۶: ۳۰) برای احترام به اصل برائت که مبانی بنیادی و اساسی قرار نظارت قضایی را تشکیل می‌دهد و رعایت آن لازم است که از مرحله کشف جرم گرفته تا مرحله دادرسی و اجرای حکم، یکسری تشریفات و مواردی رعایت شود.

۲. مبانی جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی

مبانی جرم‌شناختی نظارت قضایی که مبتنی بر نظریه تعامل‌گرایی متهم با جامعه و عدم انگ‌زنی به افراد در مراحل تحقیقات مقدماتی می‌شود و نظریه دفاع اجتماعی نوین مارک آنسل در جهت بازپروری متهم و متعاقب آن اصلاح جامعه خواهد بود. از این جهت نگاهی به مبانی جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی قرار نظارت قضایی

می‌اندازیم؛ زیرا این دو مینا ارتباط نزدیک به هم دارد. در گرایش جرم‌شناسی جامعه‌شناختی، باور و اندیشه غالب مردم بر این است که جامعه بر فرد و شخصیت وی تأثیر گذار است و در واقع این جامعه است که شخص را به سوی بزه‌کاری و ارتکاب جرم راهنمایی می‌کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۱: ۶۷) بنابراین، وقتی که شخص به علت بازداشت موقت، به زندان منتقل گردد، این انتقال و جدایی او از روند اجتماعی، پیامدهای جبران ناپذیری از یک‌سو برای شخص متهم و برای خانواده وی به همراه می‌آورد، از سوی دیگر، این نهاد کیفری نقش منفی بر تورم کیفری و تحمیل هزینه‌های زیادی بر نظام قضایی داشته است، به‌ویژه بعد از براءت و اثبات بی‌گناهی متهم. با این توضیح که نوع نگاه جامعه نسبت به این شخص چندان منفی و مخرب است که آستی و بازگشت دوباره این شخص در آغوش جامعه با مشکل عدیده مواجه می‌گردد. ای چه بسا منجر به پاشیدگی خانواده متهم خواهد شد، اذهان عمومی را در جهت صدور حکم محکومیت متهم آماده می‌سازد. (الهی‌منش، ۱۳۸۹: ۸۴) اصلاً زندان دانشگاه بزه‌کاری است، متهمی که زندانی می‌گردد، با هزاران مجرم خطرناک دیگر رو به‌رو می‌شود که آن‌ها مجرمان حرفه‌ای و استاد در این بخش‌اند. از این‌رو، در زمان بازداشت حالت خطرناکی او بیش‌تر از پیش تقویت می‌شود. (کریستین لازرژ، ۱۳۸۲: ۵۸)

ب. اهداف نظارت قضایی

از اوایل قرن بیستم «تفرید مجازات‌ها» با هدف انطباق آن با فرد مجرم و به دنبال تحولاتی در دیدگاه‌هایی ناظر بر فلسفه کیفری و تعقیب اهداف جدید برای اجرای مجازات‌ها، به تدریج قوانین جزایی کشورهای مختلف را تحت تأثیر مثبت خود قرار داد. با گذشت زمان، ضرورت تفرید «منبعث از اصل فردی کردن مجازات‌ها» قراردایی تأمین کیفری نیز احساس شد. (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۹۱-۲۹۲) به دنبال این هدف (فردی کردن قرارداهای تأمین با توجه به وضعیت متهم)، نوع جرم ارتكابی و...، تدابیر احتیاطی در قانون افغانستان و قرارداهای نظارت قضایی با اقتباس از قانون آیین‌دادرسی کیفری فرانسه در ایران تاسیس و در موارد تصریحی، تدوین شد. مطابق ماده ۱۳۷

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، قرار نظارت قضایی فقط جهت ضرورت قضایی یا به عنوان اقدام تامینی قابل تقریر است. هدف این نهاد هم دادن حداکثر آزادی به متهم است که با ضرورت کشف حقیقت با حفظ نظم عمومی سازگار باشد. (آستانی، [بی تا]: ۸۳۱) با حفظ مطالب گفته شده، می شود گفت: برای قرار نظارت قضایی اهدافی در نظر گرفته شده است، که عبارتند از: اصلاح متهم، تضمین حقوق بزه دیده، پیش گیری از جرم و تضمین حقوق جامعه.

۱. اصلاح متهم

قرارهای نظارت قضایی در کشور فرانسه به دو قسمت، تقسیم گردیده است. ۱. قرارهایی که برای جلوگیری از مخفی شدن متهم، فرار متهم یا امحای آثار جرم در تباری با معاونان و شریکان جرم، صادر می شود. ۲. قرارهای نظارت قضایی که جنبه تامینی دارند، اما در قوانین افغانستان و ایران اهداف خاصی برای قرارهای تامین کیفری و قرار نظارت قضایی در نظر گرفته است که مهم ترین این اهداف مطابق ماده ۱۲۶-۳۲ ق.آ.د.ک ایران و ماده ۱۱۰ ق. اجرائات جزایی افغانستان، اصلاح متهم است. البته باید توجه داشت که تنها الزامات خواسته شده از سوی مقام قضایی از متهم در زمان صدور قرار نظارت قضایی، ممکن منجر به اصلاح متهم نشود، ولی با آموزش های لازم می شود به این نتیجه دست یافت و متهم را با حفظ قرار نظارت قضایی اصلاح کرد.

۲. تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان

با توجه به این که قرارهای نظارت قضایی در اکثر موارد به عنوان قرارهای تکمیلی برای قرارهای تامین پیش بینی گردیده است و در موارد محدودی به صورت مستقل قابل اصدارند. به این خاطر در اکثر موارد ضوابط قرارهای تامین قابل تسری به قرارهای نظارتی است. از سوی دیگر، با توجه به جواز تفسیر موسع و تمسک به قیاس در قوانین شکلی، می توان موارد سکوت در قرارهای نظارت قضایی را در لابلای ضوابط حاکم بر قرارهای تامین به دست آورد. بنابراین، تامین حقوق بزه دیده به عنوان یکی از اهداف تاسیس قرارهای نظارت قضایی، با توجه به منطوق ماده ۲۴۷ قانون

آیین دادرسی کیفری برای جبران ضرر و زیان‌های احتمالی بزه‌دیده پیش بینی گردیده اند. ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک. ۱ مقرر می‌دارد: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای زیر را صادر می‌نماید.» ماده ۵۱ قانون اساسی افغانستان تصریح می‌کند: «هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خسارت می‌باشد و می‌تواند برای حصول آن در محکمه اقامه دعوا کند...» منظور از اداره، تمامی دستگاه‌های عدلی و قضایی است. اسناد بین‌المللی هم به این امر تاکید مضاعف داشته است. (علامه، ۱۳۹۸: ۱۵۶-۱۵۷) با توجه به این که تامین عدالت یکی از وظایف مهم دولت در قبال مردم است، اگر به وظایفش به درستی عمل نکند و ضررهای از این ناحیه متوجه متهم شود، دستگاه مربوطه پاسخ‌گو خواهد بود. اصل لزوم جبران خسارت در قبال اشتباهات عدالت جزایی محدود به محاکمه نمی‌شود بلکه در تمامی پروسه جزایی از ابتدا تا انتها قابل اعمال است.

۳. تضمین حقوق جامعه

قرارها اصولاً به عنوان محدود کننده آزادی متهم و وسیله‌ی برای تضمین حضور او به جهت حفظ حقوق جامعه و بزه‌دیده به شمار می‌آیند. این هدف صراحتاً در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان بیان گردیده است. به طور مثال، منع رانندگی با وسیله نقلیه موتوری را برای متهمانی که به اتهام ارتکاب جرم با وسیله نقلیه تحت تعقیب و تحقیق هستند، عاملی برای جلوگیری از تکرار جرم و حفظ حقوق افراد در جامعه قرار داده‌اند. هم‌چنان ممنوعیت اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتکابی را می‌شود از جمله قرارهای نظارت قضایی و کنترل متهم پیش بینی کرد که موجب حفظ حقوق جامعه می‌گردد. (وروایی، ۱۳۹۵: ۲۹)

۴. پیش‌گیری از تکرار جرایم

مشخص است که پیش‌گیری آسان‌تر از درمان است، پیش‌گیری از جرایم یکی از اهداف مهم قرار نظارت قضایی است. اصولاً پیش‌گیری از جرایم، طیفی وسیعی از

مسائل را در بر می‌گیرد. بدین توضیح که همه‌ی قوای سه‌گانه دولت نسبت به پیش‌گیری از وقوع جرم احساس مسؤولیت نموده و همه دست به دست هم داده برای پیش‌گیری از وقوع جرایم تلاش می‌کنند. در این میان نقش قوانین خیلی برجسته است. گاهی قوانین باعث تنش و ارتکاب جرم می‌شود و زمینه‌ساز بزه در جامعه می‌گردد. مثلاً وقتی می‌دانیم که بازداشت موقت ارتکاب بسیاری از جرایم را به دنبال دارد، باز هم بیاییم و بازداشت اجباری را در قانون مشروع بدانیم، مشخصاً این قانون خود زمینه‌ساز جرم است. بنابراین، در قانون‌گذاری نهایت دقت صورت گیرد تا پیش‌گیری از جرایم بتواند مثر ثمر واقع شود. ممنوعیت اشتغال به کارهای که زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند یا ممنوعیت صدور چک در جرایم مرتبط با چک و یا ممنوعیت حمل سلاح دارای مجوز در جرایم مرتبط و... همه زمینه‌ساز جلوگیری از وقوع جرم است. (یکه‌زارع، ۱۳۹۴: ۲۶) پس یکی از اهداف نظارت قضایی می‌تواند پیش‌گیری از وقوع جرم باشد.

4. شرایط قرار نظارت قضایی

۱.۴. مستند و موجه بودن قرار نظارت قضایی

اصل کلی و پذیرفته شده در همه‌ی دادگاه‌های کیفری و قوانین جزایی کشورها، مستند و مستدل بودن دعوای کیفری است. این اصل بدون این‌که توجه به آرای صادره توسط دادگاه‌ها داشته باشد خودش بنفسه دارای اعتبار است. اصل ۱۶۶ قانون اساسی ایران در این خصوص بیان کرده‌است که احکام صادره از ناحیه دادگاه‌ها، تعقیب و پیگیری متهم باید مستند و مستدل باشد: «احکام دادگاه باید مستند و مستدل به مواد و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده‌است.» مفهوم مخالف این ماده این می‌شود که اگر احکامی که از ناحیه مقامات قضایی نسبت به متهم صادر شود که مستند و مستدل به قانون نباشد، چنین حکم و احکامی فاقد اعتبار و ارزش خواهد بود. در ماده ۲۷ قانون اساسی افغانستان نیز مستند و مستدل بودن احکام صادره و تعقیب و تحقیق از متهم به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است: «۱. هیچ عملی جرم شمرده نمی

شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. ۲. هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. ۳. هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.» هم چنین در ماده ۱۲۹ قانون اساسی افغانستان، اصل استناد و توجیه که یک اصل مهم و حیاتی در دعاوی کیفری محسوب می شود و عمل کردن برخلاف آن، جرم خواهد بود، پذیرفته شده است.

ذکر اسباب احکام صادره از ناحیه دادگاه این امکان را برای طرفین دعوا می دهد که بر صحت یا عدم صحت حکم صادره (صدور قرار نظارت) نظارت نموده و بدانند، که چه امری و چه دلیلی، باعث حکم صادره (له یا علیه) او از ناحیه دادگاه شده است.

دلیل دیگری که برای مستدل و مستند بودن آرای صادره می شود ارایه کرد، این است که تصمیمات ناپخته و خام که مستند و مستدل نیست، هنگام ارایه هم بی اعتباری اش ظاهر می شود. پس اگر آرای صادره مستحکم به دلایل موجه باشد، باعث می شود که اصحاب دعوا به صورت مکرر به حکم صادره اعتراض نکند و باعث ترویج فرهنگ عدم طرح دعوی باطل در محکمه خواهد شد. (قانون آیین دادرسی کیفری ایران، ماده ۳۷۴)

در صدور قرار نظارت قضایی هم همین قاعده حاکم است، ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران بیان می کند که صدور قرار نظارت قضایی باید مستند و موجه باشد. مستدل و مستند بودن قرار نظارت قضایی یکی از اصول پذیرفته شده در دعاوی کیفری و مدنی است. قرارهای که مستند و مستدل نباشد مشخص است که ناقص بوده و احکام ناعادلانه را در پی خواهد داشت و این باعث تضییع حق بزه دیده و بزه کار خواهد شد.

۲.۴. رعایت اصل تناسب در قرارهای نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی

اصل کلی در قرارهای نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی، متناسب بودن قرارهای صادره است. میزان و نوع تامین و قرار با جرم ارتكابی را متناسب بودن قرار می گویند. یکی از وظایف مهم، حساس و فوری مقام قضایی همین رعایت اصل تناسب با

قرارهای نظارتی است. بنابراین، می‌طلبد که مقام قضایی نهایت دقت را داشته باشد تا قرارها با معیارها، ضوابط قانونی و مقتضیات پرونده کیفری متهم، متناسب با نوع جرم، شخصیت متهم، جنسیت متهم، سن و سال متهم و موقعیت‌های اجتماعی وی باشد، در غیر این صورت اگر ضوابط فوق را مراعات ننمایند، خود مرتکب تخلف شده و مجازات خواهد شد. این امر بیان‌گر این است که مقام قضایی در انتخاب قرار اختیارات نامحدود نداشته و ملزم به رعایت اصل تناسب است.

۱.۲.۴. تناسب قرار نظارت قضایی با نوع و اهمیت جرم

جرایم در حقوق جزا به انواع و اقسام مختلف قابل تقسیم است و کاملاً واضح است که جنس و نوع جرایم با یکدیگر متفاوتند. مثلاً متهمی که به اتهام ضرب و جرح عمدی یک فرد تحت تعقیب است، با متهمی که به دلیل توهین به همان فرد تحت تعقیب است از نظر نوع، شدت مجازات، اهمیت جرم، جریحه‌دار کردن احساسات جامعه و... متفاوتند. (ناجی‌زواره، ۱۳۸۹: شماره‌های ۱۰، ۹، ۸، ۲۳۵) مقام مسؤول قضایی برای صدور قرار نظارت قضایی و یا تدابیر احتیاطی و تامینی، مکلف و ملزم است که نوع جرم را در نظر گرفته و متناسب با آن قرار صادر نماید.

امیل دورکیم که یکی از جامعه‌شناسان معروف فرانسوی بوده در این خصوص بیان می‌کند: مقام‌های مسؤول قضایی باید ضرورت فرهنگ هر جامعه و جرایمی را که در آن جامعه اتفاق می‌افتد، در نظر بگیرد و متناسب با جرم ارتكابی مجازات تعیین کنند و قرار صادر نمایند. پس می‌توان گفت: رابطه بین حجم و ساختار تبه‌کاری یک جامعه و بین سازمان و نحوه کار آن جامعه وجود خواهد داشت. (گسن، ۱۳۸۸: ۲۴) از لحاظ حقوقی و قضایی هم جرم پدیده‌ی است که مخالف نظم اجتماعی بوده و در قانون هر کشور مجازاتی برای مرتکبان آن در نظر گرفته و پیش‌بینی کرده است. بنابراین، تا زمانی که رفتاری از شخص سرزنند که نظم اجتماعی را به هم بریزد، تعقیب و گرفتاری چنین شخصی مطابق با قوانین نافذ کشورها ممنوع است؛ (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۱۸۸) زیرا برائت ذمه حالت اصلی تبعه هر کشور است. در نگاه سنتی تردیده می‌شود که جرایم با اهداف متفاوت انجام می‌شود. مثلاً در جرایم نفرت‌مدار بیش‌تر هدف تعصبات نژادی،

سمتی، قبیله‌ای، تفاوت جنسیتی، مذهبی و...، با اشکال مختلف و به صورت خشونت بار محقق می‌شود، بزه‌دیدگان جرم نفرت‌مدار، ممکن است جامعه همسایگان، اجتماع محلی و یا هرکسی دیگری قرار گیرد. علت وقوع این چنین جرایم هم ناخوشایندی بزه‌کار با بزه‌دیدگان است و هدف عمده این جرایم ارضایی احساس تنفر شخصی است.

در جرایم اقتصادی هدف متفاوت است. اهداف در این خصوص بیش‌تر مادی و منافع شخصی است. از این‌رو، اهدافی مانند انتقام‌گیری و...، در جرایم اقتصادی راه ندارد. به همین خاطر هم بوده که گفته‌اند: جرایم اقتصادی کاملاً عمدی بوده و شخص بزه‌کار با دانش و اطلاعاتی که دارد، مرتکب این عمل می‌شود و در حقیقت مصداق کلاهبرداری و اختلاس بوده و هدفش تحصیل مال برای خود یا دیگری است. (صادق‌نژاد نائینی و ابراهیمی، ۱۳۹۲: شماره ۵، ۱۸۴) همین‌طور جرایم سیاسی، فرهنگی، ورزشی و...، هرکدام اهداف مخصوص خودش را دارد و مقام مسؤول قضایی باید قراری متناسب با جرم مورد نظر را صادر نماید.

۲.۲.۴. تناسب قرار نظارت قضایی با شدت مجازات

یکی از شرایطی که هنگام صدور قرار نظارت قضایی باید مراعات شود، تناسب قرار صادره با شدت مجازات است. به صورت کلی مجازات، پاسخ قانونی و واکنش به عملی است که مجرم مرتکب آن شده است. بنابراین، اعمالی را که انسان‌ها انجام می‌دهد، از دو حال خارج نیست، یا موافق عدالت و قانون است یا مخالف آن. اگر مخالف قانون و عدالت باشد، در این صورت اگر مخالف وجدان و اخلاق باشد، پاداشش بانکوهش و سرزنش همراه بوده و اگر اعمالش مخالف قانون و نظم اجتماعی باشد در این صورت کیفر و مجازات شامل حال او می‌شود نه نکوهش. (نوربها، ۱۳۸۹: ۴۱) مجازات و کیفر باید توسط قانون احصا و توجیه شود و اعمال مجازات غیرموجه ممنوع است. طبق این منبأ کیفر و جزا نوعی ضمانت اجرای اعمالی است که در حقوق جزا این چنین نام را به خودش اختصاص می‌دهد تا از ضمانت اجرای مدنی و عسکری تفکیک شود.

دانشمندان اسلامی، هم مجازات را نتیجه تخطی و تعدی از حدود اوامر و نواهی الهی معرفی کرده‌اند و در شریعت برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. به صورت کلی می‌شود گفت: مجازات از آن دست اصطلاحاتی است که در ارتباط کامل با مفهوم عدالت قرار داشته و بدین لحاظ می‌توان این ارتباط مجازات و اعمال عدالت را به‌عنوان معیار برای اعمال قرار نظارت قضایی قرار داد. (Easton, 2012, ۱۶۳)

پس باید بین درجه جرایم ارتكابی توسط بزه‌کار و میزان مجازات و نوع قرار که باید صادر شود تناسب نسبی برقرار شود. هرچه مجازات جرم از اهمیت زیادتری برخوردار باشد احتمال فرار متهم هم بیش‌تر است. برای جلوگیری از فرار متهم باید قرار که نسبت به او صادر می‌شود از شدت بیش‌تری برخوردار باشد.

3.2.4. تناسب قرار نظارت با احتمال فرار و مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم افراد و اشخاص متهم در خیلی از موارد و مخصوصاً در جرایمی که مجازات سنگین دارند، برای رهایی از مجازات، به محض شروع تحقیقات مقدماتی و تعقیب متهم توسط مقام قضایی بازرسی به پرونده‌های کیفری، درصدد فرار، مخفی شدن، از بین بردن آثار و دلایل جرم بر می‌آیند. متهم علاوه بر این‌که از مجازات هراس دارد، ترس و هراس از حیثیت و آبرو، موقعیت سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... دارد. قانون‌گذار با توجه به این مطلب و با هوشیاری کامل مقام قضایی را در زمان صدور قرار نظارت قضایی و تامین کیفری مکلف ساخته‌اند که قرار صادره طوری انتخاب شود تا مانع از فرار، مخفی شدن متهم، از بین بردن دلایل و آثار جرم توسط متهم و یا معاون و شریکان جرم شوند. ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقرر می‌دارد: قرار تامین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه اتهام و وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشند.»؛ زیرا در خیلی از موارد با همان آثار باقی مانده از جرم ارتكابی می‌شود به حقیقت امر پی‌برد و باید قرار شدیدتری نسبت به متهم صادر کرد تا دسترسی به محو آثار و دلایل جرم ارتكابی، نداشته باشد. (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۵۹)

۴.۲.۴. تناسب با عمر متهم

یکی از شرایطی که خیلی مهم است و باید مقام قضایی مسؤول هنگام صدور قرار در نظر داشته باشد، سن متهم است. علاوه بر ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذاران ایران در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۵ دادرسی اطفال را پیش بینی کرده که تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در این دادگاه بررسی می‌شود و قانون‌گذار افغانستان هم در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال را به تصویب رسانده است که با پیروی از اسناد بین‌المللی، سیاست جنایی افتراقی را پیشه کرده‌اند. در این قانون با توجه به سن متهم در محاکم اختصاصی اطفال رسیدگی می‌شود.

بنابراین، مقام قضایی که قرار تامین و قرار نظارت قضایی را صادر می‌کند، مکلف است که سن متهم را در نظر داشته باشد، قراری که برای متهم ۱۵ سال صادر می‌کند، متفاوت باشد از قراری که برای متهم ۱۸ سال صادر می‌شود. چنانچه در ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، به این مطلب تصریح شده بود.

۴.۲.۵. تناسب با شخصیت و حیثیت متهم

این شرط، یکی از شرایط مهم برای صدور قرار نظارت قضایی و تامین کیفری است. بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این زمینه اشعار می‌دارد: «درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار شود.» (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱۷۸)

قانون‌گذار افغانستان برای برخی از افراد مهم دولتی و سیاسی مصونیت داده است و نحوه صدور قرار این افراد با افراد عادی را یکسان ندانسته است. برای نمایندگان مجلس که مصونیت تشریفاتی دارند، محکمه خاص را پیش بینی کرده و هم مقام قضایی را مکلف کرده، تا قراری را که صادر می‌کند باید با حیثیت و آبروی متهم متناسب باشد. ماده ۱۰۲ قانون اساسی افغانستان مقرر می‌دارد: «هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود مأمور مسؤول از موضوع به مجلس که متهم عضو آن است اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.» بنابراین، اگر جرمی

واحد از دوشخص سرزنند که دارای حیثیات متفاوت است، نباید برای هردو شخص قراری واحد صادر شود. مرجع رسیدگی به اتهامات چنین افرادی را محکمه خاص به عهده دارد. ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقرر می‌دارد: «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و شهرستان‌ها و بخش‌داران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر این‌که رسیدگی به این اتهامات به موجب قانون خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.» در تبصره ماده ۱۷۰ ق.آ.ک ایران نیز به حفظ آبرو و حیثیت متهم تاکید داشته و لذا در جرایمی که به تشخیص مراجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم اقتضا دارد، علت احضار ذکر نمی‌شود

5. آثار نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی

۵.۱. آثار قرار نظارت قضایی نسبت به متهم

وقتی مقام صالح قضایی (نهاد بازپرس) دستوری را صادر می‌کند مبنی بر این‌که فرد متهم در دسترس باشد، متهم ملتزم و متعهد می‌شود که یکسری اقدامات و اعمالی را انجام دهد و یکسری اعمالی را انجام ندهد. در ذیل به توضیح این تدابیر و تعهدات پرداخته می‌شود.

الف. تعهدات ایجابی

براساس ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان و مواد ۱۷۰ و ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نظارت قضایی بر متهم در برخی فعالیت‌های اجتماعی وی انجام می‌شود، این فعالیت‌ها قرار ذیل است:

۱. معرفی دوره‌ای متهم به مسؤولان مربوطه یا مقامات خاص

پیشینه‌ی این بحث بر می‌گردد به حقوق فرانسه. در حقوق این کشور، در بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه تصریح می‌کند: «حضور به صورت دوره‌ای نزد واحدهای تحقیقاتی، نهاد صالح یا مقامات منتخب هیأت تحقیقاتی بازپرسی یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت، که ملزم به رازداری دقیق در مورد شخص تحت بررسی هستند الزامی است.» طبق بند ۵ ماده ۱۳۸ قانون مذکور قضایی، مکلف است متهم را

متعهد سازد تا در زمان مشخص برای پاسخ‌گویی به سوالات در واحدهای مشخص شده طبق قرار صادره مراجعه کند.

در قانون اجرائات جزایی افغانستان بیان شده است که متهم مکلف است تا در اوقات معین و به‌صورت نوبتی در دادگاه و دفتر پلیس برای پاسخ‌گویی به مقامات مسؤول حاضر شود. ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان می‌گوید: «متهم مکلف می‌باشد که تدابیر ذیل را مراعات نمایند: ۱. اقامت در محل معینه؛ ۲. حاضر شدن در اوقات معینه، حسب احوال به دفتر پلیس، سارنوالی یا محکمه؛ ۳. اطلاع به پلیس از ترک محل تعیین شده و مدت آن.» البته نحوه این حضور با صلاحدید مقام قضایی خواهد بود؛ یعنی با توجه به اهمیت جرم ارتكابی ممکن است هفتگی، ماهانه یا دو ماه یکبار و یا دوهفته یکبار باشد. در ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲، که عهده‌دار قرارهای نظارت قضایی است، بیان شده که شخص متهم باید با معرفی نوبه‌ی خود به مراکز تحقیقاتی توسط بازپرس آن الزامات ایجابی قرار نظارت قضایی به مرحله اجرا بگذارد.

این مراکز که متهم باید در آن‌جا حاضر شود، منحصر به مکان مشخصی نیست بلکه می‌تواند مراکز پلیسی، قضایی، کلانتری (حوزه پلیسی)، مراکز فرهنگی، پرورشی مانند کتاب‌خانه‌ها (خواندن چند جلد کتاب)، مدارس (برای کسب سواد)، مراکز درمانی مانند (مراکز درمانی، مراکز کمپ ترک اعتیاد مواد مخدر) یا مراکز تعلیم آداب مذهبی، اخلاقی و... باشد. مدت این قرار هم منوط به نظر کارشناس و مسؤول مربوطه است و طبق صلاحدید، به‌صورت مشخص به سال، ماه و یا روز تعیین می‌شود و این قرار هم تا ده روز از ابلاغ آن قابل اعتراض در دادگاه‌های صالح است.

۲. پاسخ‌گویی متهم در انجام فعالیت‌ها

مقام قضایی (بازپرس) متهم را مکلف می‌سازد تا فعالیت‌هایی را که انجام می‌دهد در زمینه حرفه و شغلی که دارد، یا تعلیم و تربیت، از نظر بازپرس مهم و مفید جلوه داده شده، تحت کنترل و نظارت شخص معین (مددکار اجتماعی) یا مقام رسمی قضایی قرار دهد.

پیشینه این بحث هم به بند ۶ ماده ۱۳۸ قانون آیین داری کیفری فرانسه برمی گردد که پایه گذار نظارت قضایی است. در ماده مذکور این بحث خیلی خوب بیان شده است و در حقیقت منظور این است که متهم با پاسخ گویی اعمالش هم زمینه آزادی خودش را فراهم ساخته و هم در پیش گیری از جرم کمک می کند و هم عدم ارتکاب مجدد به جرم را فراهم می کند. (متصدی آقابرگی، ۱۳۹۲: ۹۹) اما با تأسف که این مورد از نظر قانون گذاران افغانستان و ایران کاملاً دور مانده و در قانون پیش بینی نکرده اند و پیشنهاد می شود مسئولان در این بخش توجه لازم را مبذول دارد.

۳. التزام به مشارکت در تعهدات خانوادگی

قانون گذار فرانسه نسبت به سرپرست خانواده که وظیفه اش را انجام نمی دهد و از تعهدات خانوادگی تخلف و سرپیچی می کند، قرار نظارت قضایی پیش بینی کرده است. توضیح این که متهم در کارهای خانوادگی مشارکت می کند، یا به طور منظم نفقه های که از ناحیه مقام قضایی نسبت به پرداخت آن مکلف شده است، اقدام می نمایند. این نوع قرار نظارت قضایی بیش تر در مورد ترک انفاق صدق می کند که این ترک انفاق هم در قوانین افغانستان و هم در قوانین ایران، جرم محسوب شده است و قانون گذاران این دو کشور، برای فرد متخلف مجازات شدیدی در نظر گرفته است. طبق این قرار، متهم ملزم به رعایت مسایل خانوادگی از جمله انفاق به همسر و فرزندان و سایر افراد تحت تکفلش است و حتی شامل اعمال زناشویی هم می شود که در صورت امتناع طبق قانون پس از صدور این نوع قرار، الزام به عمل مطابق قانون بازداشت خواهد شد. (قانون مجازات اسلامی ایران، ماده ۶۴۲) لذا ابتدا قاضی تحقیق، متهم غیرمتعهد را ملزم به پذیرش این قرار می کند و در صورت سرپیچی بازداشت خواهد شد.

ب. تعهدات سلبی

محدودیت تردد برای متهم باعث می شود که از رفت و آمد و ملاقات با افرادی که ممکن است شریک در جرم باشند یا شهودی که حاضر در صحنه بوده و برگرداندن رأی آن ها و حضور به موقع و مناسب در محکمه، جلوگیری شود. قانون گذاران ایران

و افغانستان روی این گزینه عنایت خاصی داشته است و با صدور قرار نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی می‌تواند موارد ذیل را پیش بینی کند.

۱. عدم خروج از حوزه قضایی

یکی از جلوه‌های مهم نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی، عدم خروج از حوزه قضایی است. در صورت لزوم متهم مکلف است که مسؤولان مربوطه را در جریان بگذارد و در صورت خروج از منزل و حوزه قضایی و مدت خروج با خبر سازد، در صورت موافقت مقام قضایی مربوطه، می‌تواند خارج شود که این در حقیقت یک استثنا از اصل عدم خروج از حوزه قضایی است. (کد جزای افغانستان، مواد ۱۹۵ و ۱۹۶) باید توجه داشت که این اقدامات می‌تواند، جنبه‌ی پیش‌گیرانه یا بازدارنده، داشته باشد؛ زیرا متهمی که تحت تعقیب قضایی است با رفتن در هر مکانی، ممکن است او را در منجلا بزه‌کاری یا بزه‌دیدگی سوق داده و غرق کند. از این‌رو، این تدبیر می‌تواند اهداف دوجانبه داشته باشد؛ از یک‌سو احتمال ورود متهم را به وادی بزه‌کاری به حد صفر می‌رساند و از سوی دیگر، احتمال بزه‌دیدگی مجدد متهم را به حداقل رسانده یا از بین می‌برد.

۲. عدم خروج از اقامت‌گاه

بند ۲ ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و بند ۱ ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان تصریح می‌کند که متهم متعهد می‌شود که تا پایان قرار در محل و اقامت‌گاه که برای وی از جانب مسؤولان قضایی مربوطه در نظر گرفته شده است، بماند و در صورت لزوم و هرگاه حضور ایشان در محکمه برای رسیدگی به پرونده ضروری باشد، حاضر شود. (علامه، ۱۳۹۸: ۱۴۸)

در نظام دادرسی ایران هم در بندهای «پ»، «ت» و «چ» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری، متذکر شده که متهم متعهد می‌شود، از محلی که معین شده خارج نشود. همچنین این ماده نظارت با تجهیزات الکترونیکی را در بندهای «ب» و «پ» ماده مذکور و التزام به عدم خروج از محل معینه را با قول شرف علیه متهم نیز پیش بینی کرده است. ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مقرر می‌دارد: بند «پ» التزام به

عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف، بند «ت» التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛ بند «چ» التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات.»

۳. ممنوعیت نگهداری سلاح

قانون‌گذار ایران در بند «ت» ماده ۲۴۷ به ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز اشاره دارد و این مورد را یکی از موارد قرار نظارت قضایی قرار داده است. ذکر کلمه «دارای مجوز» هم بیان‌کننده این امر است که شخص متهم سلاحی را با خود حمل می‌کرده که مجاز بوده، مانند سلاح‌های شکاری که در ایران بیشتر به همین اسلحه اطلاق می‌شود و گرنه سلاح بدون مجوز در هر صورتش ممنوع و جرم است.^۱ در حقیقت قانون‌گذار با ذکر کلمه «دارای مجوز» خواسته ممنوعیت را به یک فعل مجاز اختصاص دهد نه به فعلی که از ابتدا جرم و ممنوع بوده است.

طبق قرارهای تامین کیفری و نظارت قضایی بازپرس می‌تواند این قرار را به‌عنوان یک قرار مستقل و یا هم وابسته به تامین کیفری نسبت به متهم صادر کند. ماده ۱۶ در مورد قرار ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز، مقرر می‌دارد: «قاضی صادرکننده قرار موظف است مفاد قرار را به مرجع صادرکننده پروانه حمل‌اعلام و همچنین به متهم اخطار نماید، سلاح خود را ظرف مهلت تعیین شده توسط مقام قضایی برای توقیف به مرجع قضایی تحویل دهد. پس از تحویل سلاح، قاضی مربوط با تنظیم صورت مجلسی که به امضای وی و متهم می‌رسد، دستور تحویل سلاح را مطابق ماده ۲۴۹ قانون صادر می‌کند.» بنابراین، مطابق بند «ت» ماده ۲۴۷ ممنوعیت نگهداری سلاح داری مجوز نسبت هر متهمی قابل اصدار نخواهد بود، بلکه نسبت به متهمی خاص؛ یعنی کسی که دارای سلاح مجوزدار است و اتهاماتی که نتیجه آن اتهامات استفاده از

^۱ ماده ۶ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز (مصوب ۱۳۹۰)

سلاح بوده، صادر می‌گردد. با توجه به این امر، منطقی نخواهد بود که قاضی تحقیق در اتهامات و جرایمی که اسلحه در آن نقشی نداشته یا بعداً هم نخواهد داشت، این قرار را صادر کند. بنابراین، با صدور قرار ممنوعیت نگهداری سلاح دارای مجوز، پروانه مربوطه از ایشان گرفته می‌شود و سلاح هم به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل داده خواهد شد و بازپرس هم مراتب را به مرجع صادر کننده پروانه اعلام می‌نماید. (مسعودی مقام، ۱۳۹۵: ۱۰۷)

۵.۲. آثار قرار نظارت قضایی نسبت به بزه‌دیده

کسی که قربانی یک جنایت یا جنحه واقع می‌شود، حق اقامه دعوا و شکایت در مراجع قضایی را دارد. این حق به بزه‌دیده و قربانی جرم اجازه می‌دهد که تقاضای جبران خسارت مادی یا معنوی را در دادگاه از عامل جرم نماید. اهمیت دادن و توجه به حقوق بزه‌دیده امروزه یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان قضایی و سیاست جنایی کشورها است. (عبادی، ۱۳۸۵: ۳۹) باید توجه داشت که این امر از آغاز تعقیب متهم شروع شده و تا ختم مرحله دادرسی و جبران خسارت‌ها ادامه دارد. این موضوع مورد توجه و عنایت قانون‌گذار بوده و در قرارهای نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی که به نوعی در حمایت از حقوق و آزادی‌های متهم است، جلوه داشته است. قانون‌گذاران ضمن توجه به متهم و کاهش چشم‌گیر محدودیت‌های قرارهای تامین کیفری برای وی، به دغدغه‌های بزه‌دیده علیرغم عدم اثبات جرم علیه متهم، آن‌ها مورد توجه قرار داده و به دنبال بسط و گسترش عدالت ترمیمی است. برای نمونه می‌توان به بند الف ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فقره ۲ بند ۱ ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان اشاره کرد که به دنبال تامین حقوق بزه‌دیده است. هم‌چنین بند (ث) ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک و بند ۲ ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان بیان‌کننده ممنوع الخروج شدن متهم از کشور است، نیز از موارد توجه به منافع بزه‌دیده در این قرارها است که می‌توان این امر، را از جمله نکات مثبت این تاسیس به شمار آورد که ضمانتی برای جبران خسارت‌های جانی و مالی قربانیان بزه است. (استفانی، ۱۳۷۷: ۸۳۴)

به صورت خلاصه می‌توان اذعان کرد: یکی از اصول مهم دست‌گاه عدالت کیفری، توجه به حقوق بزه‌دیده است.

۳.۵. آثار قرار نظارت قضایی بر روند دادرسی

۱.۳.۵. تاثیر بر دسترسی به متهم

یکی از اهداف و آثار صدور قرار نظارت قضایی و تدابیر احتیاطی، دسترسی به متهم حین محاکمه است؛ زیرا دسترسی به متهم به تامین عدالت کیفری کمک می‌کند. بنابراین، اگر مجرمیت شخص بزه‌کار ثابت شده باشد که در این صورت پاسخ قانون‌گذار در قالب مجازات و اگر حالت خطرناک مطرح باشد، در این صورت پاسخ مقام قضایی مسؤول، در قالب اقدامات تامینی و تربیتی و صدور قرار نظارت قضایی خواهد بود. بنابراین، تامین امنیت اجتماعی و پیش‌گیری از تکرار جرم، یکی از آثار مهم صدور قرار نظارت قضایی بوده و صدور این قرار باعث می‌شود که دسترسی به متهم آسان شود. به‌ویژه آن‌جایی که متهم حالت خطرناک به خود گیرد. (فاخری، ۱۳۸۳: ۵۲۰ و ۲۶۲) در این صورت مهار حالت خطرناک یکی از اهداف و آثار مهم قرار نظارت خواهد بود.

۲.۳.۵. تاثیر بر سرعت دادرسی

وقتی متهمی به هردلیلی بازداشت شد، این حق نسبت به او وجود دارد که در سریع‌ترین زمان ممکن محاکمه شده و سرنوشتش معلوم شود. ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند: «هر شخص به هر جرمی دست‌گیر شود باید در اسرع وقت محاکمه وی برگزار شده و تعیین تکلیف صورت بگیرد؛ زیرا برائت ذمه حالت اصلی هر انسانی می‌باشد.» در ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان شده است: «پس از گذشت مدت زمان متعارف از تسلیم شخص در دیوان و حضور خود آن شخص، شعبه مقدماتی مکلف است که جلسه تشکیل داده و به پرونده کیفری وی رسیدگی کنند.»

بنابراین، یکی از اهداف مهم دادرسی کیفری سرعت بخشیدن به احقاق حقوق بزه دیده و مشخص شدن سرنوشت بزه‌کار است، چه بسا محاکمه طول بکشد و آن‌طوری

که باید انجام نشود. در این صورت از یک طرف حقوق طرفین ضایع می‌شود و از طرف دیگر، اعتماد عمومی مردم نسبت به دستگاه قضایی از بین می‌رود. منظور از تسریع هم این است که تا حد امکان برای رسیدگی به پرونده کیفری سرعت داده شود بدون این که به حقوق اساسی طرفین و نظم قضایی صدمه وارد شود. (خزایی، ۱۳۸۶: ۱۴۳) گاهی تاخیر در روند رسیدگی به پرونده کیفری باعث می‌شود که ضررهای جبران ناپذیری برای جامعه و افراد دخیل در پرونده ایجاد شود که قابل جبران نخواهد بود. (عبادی، ۱۳۸۵: ۳۹) بنابراین، یکی از آثار مهم صدور قرار نظارت قضایی تسریع در رسیدگی به پرونده قضایی است.

نتیجه گیری

احترام به حقوق بنیادین بشر یعنی، آزادی این امکان را به سیاست‌گذاران داده است تا بتواند با رویکردی از حقوق شهروندان و افراد جامعه حمایت کنند. در نظام کیفری کشورهای افغانستان و ایران وجود قراردادهای تأمینی غیر بازداشت، که از آن به قراردادهای جانشین تعبیر می‌شود سابقه طولانی داشته‌اند. اما محدود بودن قراردادهای جانشینی دست مقامات مسؤول قضایی را آنقدر باز نگذاشته بود تا بتواند علاوه بر حضور به جلسات پاسخ‌گویی آن‌ها را آزاد گذارد. خوش‌بختانه قانون آیین دادرسی کیفری و قانون اجرائات جزایی علاوه بر بسط قراردادهای تأمین کیفری غیربازداشت موقت، قرار جدیدی را تحت عنوان قرار نظارت قضایی پیش بینی کردند که این خود یک گام مثبت در راستای انسانی‌تر شدن روند دادرسی کیفری است.

به هر صورت هدف قانون‌گذار از طرح این موضوع، پیش‌گیری از جرم و تضمین حقوق بزه‌دیده و جامعه است. امروزه قرار نظارت قضایی در کشورها با عناوین مختلف یاد شده و برای از بین بردن حالت خطرناک است. با صدور قرار نظارت قضایی می‌توان به این نتیجه رسید که صدور این قرار می‌تواند از آثار زیان‌بار و شکننده بازداشت موقت نسبت به متهم و شخصیت او بکاهد و مراجع قضایی مسؤول

با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص، در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی نموده و تصمیم عاقلانه و بدور از هرگونه بی عدالتی نسبت به پرونده مورد نظر، اتخاذ تصمیم نمایند و از هر نوع اقدامی که باعث اختلال در پرونده و یا طولانی شدن روند دادرسی شود جلوگیری نمایند. رعایت حقوق جامعه، بزه دیده و متهم از مهم ترین اهداف قرار نظارت قضایی است.

به صورت کل می توان گفت: قرار نظارت قضایی از مقوله پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح متهم است. این قرار باید به صورت مستند و مستدل و متناسب با جرم ارتكابی صادر شود و با مرور کردن بر مبانی و قلمرو نظارت قضایی می توان به این نتیجه رسید که قانون گذاران ایران و افغانستان در تدوین این قرار عنایت خاصی داشته و اهدافی ذیل را در قانون پیش بینی کرده است: ۱. عدم نگرانی از آزادی متهم و دسترسی به موقع به او و جلوگیری از اطلاع دادرسی، ۲. اصلاح متهم، ۳. تعهد بزه کاران، ۴. اقدام تامینی و احتیاطی بودن این قرار، ۵. پیش گیری از وقوع جرم و مدیریت کردن درست متهم، ۶. جبران خسارات بزه دیده، ۷. رعایت حقوق عمومی و نظم اجتماعی، ۸. زندان زدایی مطابق ماده ۲۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری کلیه قرارهایی نظارت قضایی که در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک ایران و ماده ۱۱۰ قانون اجرائات جزایی افغانستان بیان شده قابل اعتراض است. اگر چنانچه این قرارها از ناحیه بازپرس صادر شوند، دادگاه صالح برای رسیدگی به اعتراض است که در ماده ۲۷۱ قانون فوق بیان شده و اگر قرار مذکور از ناحیه دادگاه صادر شوند مرجع رسیدگی به اعتراض ها، دادگاه تجدید نظر استان است.

منابع و مأخذ

الف. کتاب‌ها

۱. اباذرفومشی، منصور، *ترمینولوژی حقوق جزایی*، تهران، نوراللهی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
۲. آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹.
۳. جوانمرد، بهروز، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، جنگل، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۹۴.
۴. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۱.
۵. علامه، غلام‌حیدر، *اصول محاکمات جزایی افغانستان*، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا بلخی، چاپ سوم، ۱۳۹۸.
۶. گسن، ریموند، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۸.
۷. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۸. لازرژ، کریستین، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه نجفی ابرندآبادی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۲.
۹. مدنی، سیدجلال‌الدین، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵.
۱۰. ناصرزاده، هوشنگ، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، سمت، ۱۳۹۶.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، *علوم جنایی*، تقریرات درس تاریخ تحولات، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰-۱۳۷۱.
۱۲. نوریها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۹.
۱۳. وروایی، اکبر و عزیزی‌ارشد، مصطفی، *نظارت قضایی*، تهران، آریاداد، ۱۳۹۵.
۱۴. الهی‌منش، محمدرضا، *بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق کیفری ایران و فرانسه*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ب. مجلات

۱۵. خزایی، منوچهر، «بررسی نظری و عملی تسریع آیین دادرسی کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*، تهران، شماره ۱۹ و ۲۰، ۱۳۸۶.
۱۶. رنجبر، حسین و فرج‌پور، محمدصادق، «قرار نظارت قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری»، *فصل‌نامه مطالعات حقوقی*، تهران، سال اول، شماره ۱۰، ۱۳۹۶.

۱۷. صادق‌نژاد نائینی، مجید و ابراهیمی، شهرام، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، تهران، فصل‌نامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵، ۱۳۹۲.
۱۸. مسعودی مقام، اسدالله و هم‌کاران، «مطالعات علوم سیاسی»، تهران، مجله حقوق و فقه، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۱۹. ناجی‌زواره، مرتضی، «تناسب در قراردادهای تامین کیفری»، تهران، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۳۸۹.

ج. پایان‌نامه‌ها

۲۰. خلخال‌زر، طیبه، قرار نظارت قضایی در لایحه قانون آیین دادرسی کیفری با نگاهی بر حقوق فرانسه، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور واحد تهران جنوب، ۱۳۹۶).
۲۱. متصدی آقابزرگی، حسن، نظارت قضایی به‌عنوان جایگزین بازداشت موقت، مقایسه لایحه آیین دادرسی کیفری با حقوق فرانسه، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، قم، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، ۱۳۹۲).
۲۲. یکه‌زارع، حمیده، بررسی تطبیقی قراردادهای نظارت قضایی در نظام دادرسی ایران و فرانسه، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۴).